

ولادیمیر گالاکتیونوویچ کارالنکو

نوازنده‌ی نابینا

مترجم

جهانگیر افکاری



تهران ۱۳۸۳

کارالنکو، ولادیمیر گالاتینوویچ، ۱۹۴۵-۱۸۵۳ م

Korolenko Vladimir Galaktionovich

نوازنده‌ی تایتا / کارالنکو؛ مترجم جهانگیر افکاری. - - تهران شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.

ISBN 964-445-607-6

ص. ۱۸۹

Blind musician.

عنوان به انگلیسی

کتاب حاضر اولین بار با عنوان «نابینای نوازنده» منتشر شده است
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

۱. داستانهای روسی - - قرن ۱۹ م. الف. افکاری جهانگیر، ۱۲۹۶ - ۱۳۸۲، مترجم. ب.

شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ج. عنوان د. عنوان: نابینای نوازنده.

۸۹۱/۷۳۳

PG ۳۴۱۷ / ۶ ن ۲

۱۳۸۳

م ۸۳ - ۴۲۲۲۲

کتابخانه ملی ایران

نوازنده‌ی تایتا

نویسنده: ولادیمیر گالاتینوویچ کارالنکو

مترجم: جهانگیر افکاری

چاپ نخست: ۱۳۳۶

چاپ چهارم: زمستان ۱۳۸۳؛ شمارگان: ۵۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی: آبان؛ چاپ: سارنگ؛ صحافی: سپیدار

حق چاپ محفوظ است.



شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

- اداره مرکزی: خیابان افریقا، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان، پلاک ۴، کدپستی ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی ۱۵۸۷۵۹۶۴۷؛ تلفن: ۱۷۷۲۵۶۹۷۱؛ فاکس: ۸۷۷۲۵۷۲
- مرکز پخش: شرکت بازرگانی کتاب گستر، خیابان افریقا، بین بلوار ناهید و گلشهر، کوچه گل‌فام، پلاک ۱؛ کدپستی ۱۹۱۵۶۷۳۴۸۳؛ تلفن: ۲۲-۲۲۴۱۴۱؛ تلفکس: ۲۰۵۰۳۲۶
- آدرس اینترنتی: www.Ketabgostarco.com info@ketabgostarco.com
- فروشگاه یکد: خیابان انقلاب - روبروی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۶۲۰۰۷۸۶

فهرست

هفت	درباره‌ی نویسنده و کتاب
۱	فصل اول
۲۳	فصل دوم
۵۱	فصل سوم
۷۳	فصل چهارم
۸۵	فصل پنجم
۱۱۹	فصل ششم
۱۷۹	فصل هفتم
۱۸۵	فصل سرانجام

درباره‌ی نویسنده و کتاب

ولادیمیر کارالنکو در پنجم ژوئیه‌ی ۱۸۵۷ در شهر «ژیتومیر» واقع در شمال باختری اوکراین به دنیا آمد. پدرش کارمند دولت بود. ولادیمیر تحصیل ابتدایی را در زادگاه آغاز کرد و در «روونا» به پایان رسانید. در ۱۸۷۱ (چهارده سالگی) وارد دانشکده‌ی فنی شهر پترزبورگ شد و به سبب گرفتارهای مالی نتوانست دانشکده را به پایان رساند. ناگزیر در چاپخانه‌ای که کارش چاپ نقشه‌های جغرافیا بود مشغول کار شد. پس از سه سال وارد دانشکده‌ی کشاورزی و جنگلبانی مسکو شد که باز هم نتوانست رشته‌ی تحصیلی خود را به پایان برساند. کارالنکو به زودی به ادبیات گرایید و روح ظریف و حساس وی در داستان‌های گوناگون و پرارزش او پدیدار گشت. داستان‌ها و رمان‌هایی که نوشت وی را در ردیف بزرگ‌ترین نویسندگان روسیه جای داد. در سراسر آثار کارالنکو روح مردم‌دوستی و میهن‌پرستی نمودار

می‌گردد. رنج‌ها، امیدواری‌ها، عشق‌ها، زندگی واقعی مردم و پایورزی و شکست‌ناپذیری آنان در برابر سیل رنج‌ها، به آثار کارالنکو جان می‌بخشد، چنان‌که توانایی و پایداری و دلاوری دختری ساده در نگارش داستان چودنایا الهامبخش او می‌گردد.

داستان رودخانه بازی می‌کند، که به سال ۱۸۹۲ نوشته شد، نشانی از قهرمانی و نیروی پرشکوه و عظمت نیروی روحی ملت دارد.

خواب ماکا شهرتی بسزا برای قدرت اندیشه و قلم نویسنده به بار آورد. بی‌زبان که در سال ۱۸۹۵ نوشت، جای برجسته‌ای در میان آثار کارالنکو به دست آورد. کتاب سرگذشت دهقان ساده‌ای است که اوکراین، میهنش، را ترک می‌کند و به خارج می‌گردد و در آنجا به نکبت و ناکامی گرفتار می‌آید.

جنگل می‌غرزد (۱۸۸۶) و اجتماع ابلهان از دیگر آثار معروف نویسنده‌ی نامی روس است.

نوازنده‌ی نابینا که در همین سال منتشر شد از معروف‌ترین آثار ادبی قرن نوزدهم به شمار می‌آید. در این رمان سخن از رنج‌های روانی کوری مادرزاد می‌رود که رفته رفته با دنیای خارج آشنایی پیدا می‌کند و بدان انس می‌گیرد. برای او بساواپی نازک‌سنج و شنوایی تیز تنها وسیله‌ی شناخت «سیمای» نزدیکان، مردم، جهان و طبیعت، حتی رنگ‌هاست.

«آرزوی دیدن» جانش را می‌سوزاند، ولی هنگامی رنجش می‌دهد که شوق دیدن دلدار نازنین بی‌تابش می‌کند. به سان همه کس، برای نابینا هم این پرسش پیش می‌آید که «زندگی به چه درد می‌خورد؟» و انگهی او به این اندیشه است که «کور را چه به زندگی؟»

سایه‌ی مادری فهمیده و مهربان، که دلش پیش یگانه فرزند است، و مراقبت‌های دایی رزمنده‌ای، که یک دست و یک پا را در پیکارهای آزادی‌خواهانه و یاری گاریبالدی، آزادمرد ایتالیا، از کف داده است،

همراه عشق پرگذشت و پرشور دخترکی روشن رأی و پاک، سرانجام وی را از پرتگاه نومیدی نجات می‌دهند. ولی الهامی که چراغ دل کور را روشنی می‌دهد، نوای دل‌انگیز نی چوبین درشکه‌چی سالخورده و سرخورده‌ای است که شبانگهان راز دل می‌گوید.

صداها‌ی پرهیمنه‌ی طبیعت، سرودهای دلنواز، یاری یاران، استعداد بی‌همتای نایینا و، از همه بالاتر، دم‌گرم و مهرپرور دلبری فرشته‌خو، کور را تا برترین پایه‌ی هنر نوازندگی و آفرینش بالا می‌برند تا آن‌جا که می‌تواند جهان را با چشم دل «بیند».

نوازنده با کورانی دوره‌گرد و مسافر می‌گردد، با آنان همدردی می‌کند، و بر خودخواهی و تندخویی درون چیره می‌شود. تنها هنگامی می‌تواند آواز طبیعت، آهنگ قلب، و نوای ملتش را بسان هنروری بزرگ با کلیدهای پیانو بیان کند که باطن خود را از کین و بدخواهی و خودپرستی بزداید.

در این کتاب، کارالنکو تنها یک نویسنده نیست که تا حد یک روان‌شناس کاردان پیش رفته باشد؛ نقاشی است که سایه‌روشن‌ها و رنگ‌آمیزی‌هایی روح و طبیعت را استادانه و شاعرانه بیان می‌کند و، از آن برتر، موسیقیدانی است که برای او «نت» پایه‌ی رنگ‌ها و احساس‌هاست. کارالنکو در تحلیل و توصیف آهنگ و ارزش ترانه‌های ملی به اندازه‌ای موشکافی به کار می‌برد، که برای ما خوانندگان ایرانی که قرن‌ها دستان از موسیقی علمی کوتاه بوده و به تجزیه صداها و دقت در معنای آن‌ها اعتنا نداشته‌ایم، همچون درسنامه و راهنما خواهد بود.

احساس میهن‌دوستی نویسنده در این کتاب به خوبی پدیدار می‌شود. عالی‌ترین پیانوی دستی از بهترین استادکاران اتریش و پنجه‌ی ورزیده و کارکشته‌ی مادری که به نوای موسیقی ملی بی‌الثفات است، دیرزمانی در برابر نی باریک درشکه‌چی پرشوری که آهنگ‌های اوکراینی را از دل

می‌نوازد و شکست می‌خورد و پیانو تنها آن‌جا می‌تواند خودنمایی کند که سرانجام رنگ ملّی به خود می‌گیرد و نوای طبیعت کشور و سرود قهرمانی‌های ملتش را بازتاب دهد.

آثار چریشفسکی، دابرایوف، شچدرین، نکراسف و شوچنکو در جهان‌بینی کارالنکو تأثیر فراوان داشته است.

از زبردستی در داستان‌نویسی گذشته، کارالنکو منتقد بزرگ ادبی نیز بوده است. کتاب‌های به یاد بلیسکی، درباره‌ی روسپسکی، چخوف، و تولستوی از جمله این دست آثار اوست که ارزش بسزا دارند.

نویسندگان بی‌مانندی همچون تولستوی و چخوف آثار او را بسیار ارج می‌نهادند.

مرگ کارالنکو به سال ۱۹۲۱ رخ داد.

دی ۱۳۳۶، مترجم.